

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

شباهنگ راد

۱۱.۰۱.۱۰

در یادمان عبدالعظیم صبوری



مقاومت و ایستادگی کمونیست‌های راستین نمودار تعهد و باور عمیق آنان نسبت به منافع کارگران و زحمت‌کشان در عرصه‌های نابرابر طبقاتی‌ست. در جنبش ضد امپریالیستی میهن‌مان کم نبودند انسان‌ها و کمونیست‌هایی که دست رد بر سینه‌ی جانبازان و دشمنان طبقاتی توده‌های محروم زدند و با مرگ خود نهال انقلاب را آبیاری نمودند. عبدالعظیم صبوری از این دست کمونیست‌هایی بود که هرگز در پیچ و خم‌های مبارزاتی پا پس نکشید و سر تسلیم فرورد نیاورد و در برابر مشکلات گوناگون و ابزار و آلات شکنجه‌ی سرکوب‌گران رژیم شاهنشاهی و جمهوری اسلامی ایستاد و جان خود را از دست داد. مبارزه قاطعانه با دو رژیم سراپا مسلح، رفیق عبدالعظیم را به عنصری متعهد و مصمم به منافع توده‌ها تبدیل ساخت و به موازات آن‌ها گام به گام و مرحله به مرحله، در کنار آرمان پر افتخار چریک‌های فدائی خلق ایستاد و خلاف وادادگان سیاسی و تسلیم طلبان، در هر دوره‌ای راه رو به جلو را انتخاب نمود.

مبارزه با مزدوران رژیم شاهنشاهی، شرکت در اعتراضات مردمی ۵۷، فعالیت در کردستان، تحرک در جنگل‌های شمال ایران، مقاومت و ایستادگی در برابر زندانبانان و شکنجه‌گران رژیم جمهوری اسلامی و بالاخره پایداری در میدان تیر رژیم جمهوری اسلامی، کارنامه پر افتخار سیاسی رفیق صبوری را تشکیل می‌دهد. رفیقی که با قامتی استوار، دشمنان طبقاتی توده‌های ستمدیده را به هیچ می‌گرفت و با ایمان به پیروزی راهش در صحنه‌های نبرد با

دشمنان، از خود باکی نشان نمی‌داد. ساواک شاهنشاهی عبدالعظیم صبوری را در سن بیست‌ویک سالگی و آنهم به جرم آزادی‌خواهی دستگیر و روانه شکنجه‌گاه‌های مخوف خود می‌کند تا به خیال خود او را از آرمان‌های پرولتری‌اش منصرف سازد؛ اما وی تا آخرین لحظه از ایده‌های انقلابی‌اش عقب نه نشست و بالاخره در اثر خیزش توده‌ها در سال‌های ۵۶ و ۵۷ از زندان آزاد می‌گردد.

رفیق عبدالعظیم صبوری بعد از آزادی از زندان شاهنشاهی به همراه دیگر رفقایش پروسه‌های متفاوتی را از سر می‌گذراند و هم‌زمان با احاطه‌ی ایده‌های انحرافی بر سازمان صف خود را از آن جدا می‌نماید و به همراه دیگر رفقایش در تشکیلات چریک‌های فدائی خلق ایران - در سال ۵۸ - بر تداوم تئوری نوین جنبش کمونیستی پای می‌فشارد؛ به کردستان می‌رود و سلاح به دست می‌گیرد تا به جنگ با سرکوبگران رژیم جمهوری اسلامی بر خیزد. مدتی بعد و در اثر انحراف عملی - نظری "چفخا" از تئوری بنیانگذاران سازمان و این‌بار به همراه چریک‌های فدائی خلق (ارتش رهائی‌بخش خلق‌های ایران) - در سال ۶۰ - راهی جنگ‌های شمال ایران می‌گردد تا بار دیگر دین خود را در قبال تئوری ظفرنمون انقلاب اداء نماید. فعالیت چهارده ماهه در جنگ‌های شمال آزمون دیگری بود که به جرأت می‌توان گفت رفیق صبوری با سربلندی و با افتخار از آن بیرون بدر آمد.

بیست‌ویکم دی [جدی] ماه مصادف است با پنجاه و هفت و مین سالروز تولد رفیق عبدالعظیم صبوری. به همین دلیل بی‌مناسبت نیست تا به جای پرداختن به خصوصیات سیاسی وی، در زیر با هم، نگاهی به متد و برخورد کمونیستی‌اش که در جزوه "نقد گذشته اعضاء و هواداران سابق چریک‌های فدائی خلق (ارتش رهائی‌بخش خلق‌های ایران)" آمده است، بیندازیم و دریابیم که چگونه علی‌رغم پایداری‌اش به منافع کارگران و زحمت‌کشان، در مقابل انحرافات درونی، سخت‌گیر و بی‌گذشت بود. رفیق عبدالعظیم که مسئولیت تنظیم این جزوه را بر عهده داشت بمانند هر انسان تحول‌گرا، بیرحمانه به نقد سیاست‌های انحرافی خودی و سازمانش نشست و با صراحت کمونیستی اعلام نمود که:

"می‌گویند بیان حقایق و قبول آن تلخ است. اما اگر این درست است که این تنها کمونیست‌هایی‌اند که در پی یافتن حقیقت‌اند و اگر ما نیز مدعی آنیم، پس چه باک! بگذار حقایق را به روشنی گفته باشیم و تلخی آنرا باور کنیم. بگذار پیراهن چرکین خود را در معرض دید توده‌ها و انقلابیون صدیقی که بی‌تجربگی، توشه راه آن‌هاست به نمایش بگذاریم. زیرا یقین داریم که این تنها شرط جدی بودن ما در برخورد با مسائل است. تنها جلب شرط اعتماد توده‌ها نسبت به ماست. حال حتا اگر اپورتونیست‌ها بخواهند حقایق وجودی ما را توجیه بی‌عملی و پوشاندن حقایق درونی خود کنند".

۲۰ دی ۱۳۸۸

۱۰ ژانویه ۲۰۰۹